

سَلَامٌ عَلَيْهَا
نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org



امام رضا علیه السلام
وخدمات فرهنگی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام و خدمات فرهنگی

نویسنده:

ناصر رفیعی

ناشر چاپی:

www.qudsdaily.com

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام و خدمات فرهنگی	۶
مشخصات کتاب	۶
مقدمه	۶
خلفای معاصر امام عَلَيْهِ السَّلَام	۶
افکار بیگانه در عصر رَضَوِی	۶
امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام و هجوم فرهنگی بیگانه	۷
هدف مأمون از برگزاری بحث‌های علمی	۷
مناظرات امام عَلَيْهِ السَّلَام با پیروان ادیان	۷
تدوین حدیث در عصر امام عَلَيْهِ السَّلَام	۷
اشاره	۷
صحیفه الرضا (ع)	۷
الرسالة الذهبیة	۸
مجالس الرضا (ع) مع اهل الایمان	۸
امالی الامام الرضا (ع)	۸
کتاب الاهلیلجة	۸
شاگردان امام رضا و تدوین حدیث	۸
پاورقی	۹

امام رضا علیه السلام و خدمات فرهنگی

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: امام رضا علیه السلام و خدمات فرهنگی، دکتر ناصر رفیعی گفتگویی روزنامه قدس با دکتر ناصر رفیعی به نقل از <http://www.qudsdaily.com/archive/۱۳۹۰/html/۱/۱۳۹۰-۰۱-۳۱/page۴.html>

مقدمه

امام رضا علیه السلام روز یازدهم ذیقعده سال ۱۴۸ ق. در مدینه متولد شد. نام مادرش «تُکْتَم» بود که بعد از تولد حضرت، از طرف امام کاظم علیه السلام طاهره نام گرفت. نام مادر حضرت را «نَجْمَةُ» نیز گفته‌اند. نقش انگشتری آن حضرت «مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» بوده است. اسم حضرت: علی، کنیه: ابوالحسن الثانی، لقب: رضا، شروع امامت: سال ۱۸۳ در سن ۳۵ سالگی. مدت امامت: ۱۹ یا ۲۰ سال. فرزندان: دو پسر به نام جواد علیه السلام فرزند دیگر به نام حسین. رافعی می‌نویسد: امام رضا علیه السلام در سفری به قزوین آمده، در خانه داوود بن شَیْلَمَان مخفی شده است وی از امام نقل کرده است: «فرزندی از حضرت که دو سال یا کمتر داشته در قزوین مدفون است.» این همان امامزاده حسین است که اکنون در قزوین بارگاهی دارد. به احتمال، این مسافرت در سال ۱۹۳ ق. مقارن با مرگ رشید صورت گرفته است. [۱]. شهادت: امام تا سال ۲۰۱ ق. در مدینه بود، در رمضان آن سال وارد مرو شده و در سن ۵۵ سالگی، آخر صفر سال ۲۰۳ ق. به علت خوردن انگور مسموم - به اجبار مأمون - مسموم شده و در طوس به خاک سپرده شد.

خلفای معاصر امام علیه السلام

ده سال از مدت امامت حضرت با هَارُون الرَّشِید (۱۹۳ - ۱۸۳). پنج سال با مُحَمَّد امین پسر هَارُون (۱۹۸ - ۱۹۳). ده سال با عَبْدِالله مأمون پسر دیگر هَارُون (۲۱۸ - ۱۹۳) که با برادرش جنگید. امام در حدود ۲۰ سال از مأمون بزرگتر بود.

افکار بیگانه در عصر رَضَوی

ترجمه آثار علمی بیگانگان از زمان امویان شروع شد و در عصر عباسیان به ویژه در زمان هَارُون و مأمون به اوج خود رسید. (همان گونه که در این زمان وسعت کشور اسلامی به بالاترین حد خود در طول تاریخ رسید) مأمون نامه‌ای به پادشاه روم نوشت و مجموعه‌ای از علوم قدیم و آثار اَرِسْطو را درخواست کرد و جمعی از دانشمندان مانند «حجاج بن مَطَر» و «ابن بِطْرِیق» و «سلما» سرپرست «بیت الحکمه» کتابخانه بزرگ بغداد را مأمور ترجمه آنها نمود. «خالد بن یزید»، طب و شیمی را (می خواست از راه شیمی طلای مصنوعی به دست آورد) «حنین بن اسحاق» بعضی از کتب سقراط و جالینوس را، ابن مُقَفَّع، کلیله و دمنه و همین طور کتاب اِقلیدس را، به عربی برگرداندند. خود مأمون نیز ترجمه می‌کرد. یعقوب ابن اسحاق کندی که در طب، فلسفه، حساب، منطق، هندسه و نجوم خبره بود و در تألیفات خود از روش اَرِسْطو پیروی می‌کرد، بسیاری از کتاب‌های فلسفه را به عربی برگرداند و مشکلات آن را توضیح داد. کسانی را به قُسْطَنْطِیْنَه فرستاد تا کتاب‌های کمیاب فلسفه، هندسه، موسیقی و طب را بیاورند. مُحَمَّد بن موسی خوارزمی - ریاضی دان بزرگ - جبر را از حساب جدا کرد. «دار الحکمه» کتابخانه بزرگی بود که به احتمال قوی هَارُون آن را بنیانگذاری و مأمون تقویت کرد و همچنان باقی بود تا بغداد به دست مغولان افتاد. آنان که از تمدن و فرهنگ بویی نبرده

بودند آن را به آتش کشیدند.

امام رضا علیه السلام و هجوم فرهنگی بیگانه

به دنبال نهضت ترجمه آنچه مایه نگرانی بود اینکه در بین این مترجمان افرادی متعصب و سرسخت از مذاهب دیگر مانند زردشتی، صائبی، نَشِطُوری، برهمن‌های هند، رومیان وجود داشتند و این فرصتی بود برای نشر افکار مسموم خود و القاء آن به جوانان و افراد ساده دل و همین طور محتوای خود این کتب نیز می‌توانست شبهاتی به همراه داشته باشد. امام رضا علیه السلام با آگاهی از این خطر و با حضور فعال در جلسات بحث‌های علمی که توسط مأمون برگزار می‌شد، سعی کردند جلو هرگونه انحراف احتمالی را بگیرند و برتری اهل بیت علیهم السلام را نشان دهند. [۲].

هدف مأمون از برگزاری بحث‌های علمی

در اینجا چند عقیده وجود دارد. از جمله: الف) اینکه هدف محکومیت امام بود. دلیلش اینکه مأمون به «سَلِیْمَان مَرْوَزِی» گفت: هدف من از برگزاری جلسه بحث چیزی جز این نیست که راه را بر او - امام رضا علیه السلام - ببندی. [۵]. شاهد دیگر کلام امام که فرمود: هنگامی که با اهل تورات به تورات‌شان، با اهل انجیل به انجیل‌شان، با اهل زبور با زبورشان، با ستاره پرستان به شیوه‌ی عبرانی‌شان، با موبدان به شیوه پارسی‌شان با رومیان به سبک خودشان استدلال کرده همه را به تصدیق سخن خود وادار کنم، مأمون خواهد فهمید که راه خطا را برگزیده و یقیناً پشیمان خواهد شد. [۴]. آنچه این احتمال را تقویت می‌کند آن است که دربار مأمون تا پیش از شهادت امام، پیوسته محل برگزاری این مناظره‌ها بود؛ ولی پس از آن دیگر اثری از این مجالس علمی و بحث‌های کلامی دیده نشد وقتی این محافل در از میان بردن شخصیت امام ناکام ماند، مأمون در اندیشه حذف فیزیکی امام فرو رفت و سرانجام ایشان را مسموم ساخت. ب) مأمون خود، آدم بی‌فضلی نبود و تمایل داشت به عنوان یک زمامدار عالم در جامعه‌ی اسلامی معرفی گردد و مورد توجه قرار گیرد. او شهرت به علم دوستی داشت و فیلسوف خلفای عباسی شناخته می‌شد. [۵].

مناظرات امام علیه السلام با پیروان ادیان

این مناظرات فراوان است و شیخ صدوق در «عُیُونُ أَخْبَارِ الرِّضَا» و علامه مجلسی در جلد ۴۹ بحارُ الْأَنْوَارِ و استاد عزیرالله عطارِدی در کتاب مسند الامام الرضا جلد دوم آورده‌اند مهمترین این مناظرات عبارت است از: ۱. مناظره با جِائِلِیق (این کلمه لقب پیشوای عیسویان بود). ۲. مناظره با رَأْسُ الْحِیَالُوت (این کلمه لقب پیشوای یهود بود). ۳. مناظره با هِرَبْدِ اکبر (این کلمه لقب پیشوای زردشتی بود). ۴. با عمران صائبی (از پیروان حضرت یحیی علیه السلام) ۵. با سَلِیْمَان مَرْوَزِی؛ وی عالم بزرگ علم کلام در خطه‌ی خراسان بود. ۶. علی بن مُحَمَّد بن جَهْم؛ ناصبی و دشمن اهل بیت. ۷. مناظره با ارباب مذاهب مختلف در بصره.

تدوین حدیث در عصر امام علیه السلام

اشاره

امام رضا علیه السلام نیز پیروان و خواص خویش را امر به تدوین علم و احادیث می‌نمود. در مصادر روایی، کتبی به حضرت نسبت داده شده است و جزء مؤلفات حضرت آورده‌اند از جمله:

صحیفه الرضا (ع)

این کتاب را «مسند الامام الرضا» نیز نامیده‌اند و بسیاری از روایات فَرِیقَتین این را نقل نموده و در بعضی از مصادر، اسامی بعضی از روایات آن آمده است و نسخه‌های متعدد از آن در «صَنْعَاء» و در «قم» تحت عنوان «کتاب ابن ابی الْجَعْد» که کنیه «احمد بن عامر بن سُلیمان الطائی» است، در تهران و مشهد وجود دارد. [۶].

الرسالة الذهبية

رساله‌ای در مسائل طبّی که امام به درخواست مأمون نوشته است و مأمون دستور داد آن را با آب طلا بنویسند. لذا رساله ذَهَبِيَّة نامیده شد. [۷].

مجالس الرضا (ع) مع اهل الايمان

مأمون مجالس علمی و مناظرات دینی و علمی بین امام و علماء ادیان دیگر برقرار می‌نمود. امام عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرصت را غنیمت شمرده و حقانیت، تَشْیُّع و اسلام را به اثبات می‌رساند و اعتقادات دیگران را با استدلال رد می‌نمود که بعداً یکی از پیروان امام آن مجالس را گردآوری نمود. نَجَاشْتِی می‌گوید: «حسین بن مُحَمَّد بن الفضل ... ابو مُحَمَّد شَيْخ من الهاشميين، ثقة ... صَنَّف مجالس الرضا عَلَيْهِ السَّلَام مع اهل الادیان.»

امالی الامام الرضا (ع)

این صحیفه را «ابوالحسن علی بن علی الخُزَاعِی» برادر شاعر بزرگ شیعی یعنی دَعْبِل خُزَاعِی نقل کرده است. شَيْخ طوسی به همین سند از این کتاب روایت نقل نموده است. محقق بزرگوار سید مُحَمَّد رضا جلالی حسینی احتمال داده است که این همان کتابی باشد که نَجَاشْتِی آن را ذکر کرده است. در مقدمه الْمُعْجَم الْمُفَهَّرَس الالفاظ احادیث البحار ۲۰ مورد از تألیفات امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام را نام می‌برد. [۸].

کتاب الاهلیجة

علامه سید محسن امین فرمود: «فيه حجج بالغة و مطالب جلیلة فی علم الکلام» کتب دیگری نیز برای امام شمرده‌اند که عبارت است از: کتابی که وریزه بن مُحَمَّد روایت کرده. کتابی به روایت علی بن مهدی، نسخه متبوعه بزرگی به روایت مُحَمَّد بن عَزِید الله و نسخه‌های دیگر و «مسائل» به روایت معاویه بن سعید و «مسائل» به روایت حَسَن بن علی الوَشَّاء و مسائل و کتب دیگری که در مجموع به بیست نسخه می‌رسد. البته برخی در صحت انتساب این کتب به امام تردید کرده‌اند از جمله: دکتر مجید معارف می‌گوید: «برخی از محققان آثاری به امام نسبت داده‌اند، از جمله: فقه رَضَوِی، رساله ذَهَبِيَّة در طب، رساله محض الاسلام، پاسخ به مسائل ابن سنان و کتاب علل ابن شاذان که انتساب آنها مورد تردید است.» و در این باره ارجاع داده است به تحلیلی از زندگانی امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام از مُحَمَّد جواد فَضْل الله، معرفه الحديث مُحَمَّد باقر بهبودی، سیره الائمه هاشم معروف حسنی و مجموعه آثار نخستین کنگره امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام وی می‌گوید: آنچه به آنان منتسب گردیده نوعاً از مجعولات غلات می‌باشد. زیرا شرایط امامان اجازه این امور را به آنان نمی‌داده است. [۹].

شاگردان امام رضا و تدوین حدیث

آیت الله العظمی بروجردی در کتاب جامع الاحادیث می‌فرماید: «ان عدد الكتب التي جمعت احاديث الشيعة في زمان الامام الثامن عَلَيْهِ السَّلَام وصل الى الاربعة مائة، ثم قام جمع من فضلاء اصحاب الطبقة السادسة من اصحاب الامام الرضا عَلَيْهِ السَّلَام في جميع هذه الاحاديث الشريفة المتفرقة في تلك الكتب ثم جمع تلامذتهم الاجلاء من امثال علي بن مهزيار الاهوازی والحسين ابن سعيد الاهوازی تلك الاحاديث في كتابين فكانا مرجعاً لعلماء الشيعة حتى قام ثقة الاسلام كليني في تأليف كتابه «الكافي» و الشيخ الصدوق في كتابه «من لا يحضره الفقيه» و الشيخ الطوسي في كتابه «التهذيب» و «الاستبصار» و بهذا قد جمعت في هذه الكتب الابعة الجوامع الحديثية الاولى والثانوية باحسن وجه فكانت مرجعاً لعلماء الشيعة في تلك الاعصار و الامصار و لان جميع احاديث تلك الاصول اجتمعت في هذه الكتب الاربعة، قلت المراجعة لتلك الاصول تدريجياً حتى تركت.» [۱۰]. در زمان امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام ۲۰ نفر از اصحاب امام عَلَيْهِ السَّلَام کتاب حدیثی تألیف کرده‌اند. از جمله آنان می‌توان از حسین بن سعید (۳۰ کتاب)، صفوان بن يحيى (۱۶ کتاب) و مُحَمَّد بن عُمَر الواقدي (۲۸ کتاب) و موسى بن القاسم (۱۵ کتاب) نام برد. شیخ طوسی آمار رجال امام را به ۳۱۸ راوی رسانده است. [۱۱].

پاورقی

- [۱] حیات فکری و سیاسی، ص ۴۲۶. [۲] سیره پیشوایان، ص ۵۰۹. [۳] سیره، ص ۵۱۲ و ۵۱۳. [۴] همان. [۵] حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۴۸۳. [۶] مقدمه اَلْمُعْجَمِ الْمُفْهَرَس، ص ۴۴. [۷] اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۲۶ وی می‌گوید: «له مؤلفان کثیره» بعد هفت مورد را نام می‌برد. [۸] مقدمه اَلْمُعْجَمِ الْمُفْهَرَس، ص ۴۴ و ۴۵. [۹] تاریخ عمومی حدیث ... و مجموعه معارف، ص ۳۱۳ - ۳۱۴. [۱۰] مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۱۳. [۱۱] دروس فی نصوص الحدیثیه، مهریزی، ص ۹۱.